

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [ایران وایر](#)]

[تاریخ: ۲۳ آذر ۱۳۹۵]

وضعیت تحصیل بهائیان در دولت روحانی: ۲۸ اخراجی، هزاران محروم

«مونا» استاد دانشگاه است. او در «موسسه آموزش عالی آزاد بهایی (BIHE)» درس می دهد؛ موسسه ای که در سال ۱۳۶۶ در ایران تاسیس شد تا مشکل تحصیل بهائیان را حل کند: «از آنجایی که امکانات مان کم بود، همه نمی توانستند در این دانشگاه تحصیل کنند. برای همین به فکر تدوین کنکور افتادیم. از سوی دیگر، تنها رشته هایی را می توانستیم ارائه دهیم که استادها می توانستند تدریس کنند. اولین رشته فنی، عمران بود و نخستین رشته های تجربی هم دارویی، دندان و شیمی. ولی چون مدرک این دانشگاه در ایران پذیرفته نیست، فارغ التحصیل رشته دندانی نمی توانست دندان پزشکی کند. در آن زمان، دانشجویان به شکل مکاتبه ای تحصیل را شروع کردند و بعدتر توانستیم رشته های دیگر را هم ارائه کنیم؛ هرچند باز هم محدود است. جزوه ها و مواد درسی برای دانشجویان ارسال می شد و آن ها موظف بودند در مدت زمان تعیین شده، تکالیف خود را انجام داده و برگردانند.»

بهائیان را می توان بزرگترین گروه اقلیت های مذهبی در ایران دانست که از بدو حکومت جمهوری اسلامی تحصیل برای آن ها ممنوع شده است. هرچند بعدها تاسیس دانشگاه مجازی توانست راهی برای تحصیل بهائیان باشد اما همین دانشگاه غیرحضوری نیز از حمله ها و تخریب ماموران جمهوری اسلامی در امان نیست و با محدودیت هایی مواجه است.

از زمان روی کار آمدن جمهوری اسلامی تا «انقلاب فرهنگی» در سال ۱۳۵۹، تمامی اساتید و دانشجویان بهایی در دانشگاه ها به مرور با حکم اخراج و همه دانشگاه ها نیز به مدت سه سال تعطیل شدند. تیرماه ۱۳۶۲ بود که دانشجویان با بازگشایی دانشگاه ها، برای ثبت نام مجدد مراجعه کردند اما روی تابلوی اعلانات نام دانشجویان بهایی به عنوان محرومان از تحصیل خودنمایی می کرد.

در دهه ۶۰ که برخی از دانشجویان اخراجی با اتهام های سیاسی توانستند به دانشگاه ها برگردند، هیچ دانشجوی بهایی موفق به ورود به دانشگاه نشد زیرا یکی از شروط پذیرش این بازگشت، اعلام عدم اعتقاد به دین بهایی بود.

در پی همین ممنوعیت ها، جمع کوچکی از اساتید بهایی و اخراجی از دانشگاه ها تصمیم گرفتند دانشگاهی غیرحضوری تاسیس کنند. محدودیت های این موسسه علمی مجازی اما صرفا به امکانات، درس و اساتید بر نمی گردد؛ دانشجویان و اساتید این دانشگاه همواره با تهدید و بازداشت و حبس روبه رو بوده اند. یکی از بزرگترین موج برخورد جمهوری اسلامی با فعالیت این دانشگاه، به سال ۱۳۷۷ برمی گردد که طی آن، ۱۱ نفر از اساتید و کارکنان این موسسه دستگیر شدند. تجهیزات و مدارکی نیز که در بیش از ۵۰۰ خانه به عنوان محل برگزاری کلاس ها جای داشتند، توسط ماموران ضبط شدند.

خرداد ماه ۱۳۹۰ نیز موج دیگری از برخورد گریبان جامعه بهائیان را گرفت و ماموران امنیتی با حمله به خانه های آن ها، ۱۶ نفر را در تهران، کرج، اصفهان و شیراز بازداشت کردند. این افراد به ۳ تا ۵ سال حبس محکوم شدند. در میان دستگیر شده ها، برخی از استادان، همکاران یا کارکنان دانشگاه حضور داشتند.

با وجود تمام این تهدیدها اما دانشگاه مجازی بهائیان همچنان به فعالیت خود ادامه می دهد. هرچند که مورد پذیرش نبودن مدرک این دانشگاه در ایران، مشکلات دیگری برای تحصیل کرده های این دانشگاه به همراه داشته است.

«پدرام» یکی از دانشجویان این دانشگاه بوده است. او به «ایران‌وایر» می‌گوید: «چون مدرک این دانشگاه را قبول ندارند، هنگام اشتغال با تبعیض مواجه می‌شویم؛ مثلاً پایه حقوق‌مان کمتر از دیگران است. در سربازی هم با آن‌که تحصیل کرده‌ایم اما دیپلم محسوب می‌شویم. البته شرایط معافیت برای دیپلمه‌ها بهتر است. جالب است که ما را برای سربازی می‌خواهند اما برای تحصیل نه. پدرم همیشه می‌گفت همان‌طور که اجازه ندادند تو به دانشگاه بروی، من هم اجازه نمی‌دهم به سربازی بروی.»

در سال ۱۳۸۳ سازمان سنجش آموزش کشور سوال مذهب را از فرم ثبت‌نام کنکور سراسری حذف کرد. این اقدام، امیدی ناگهانی برای دانشجویان به وجود آورد که می‌توانند بالاخره به دانشگاه بروند. اما آن‌ها فقط از حق ثبت‌نام در کنکور برخوردار شدند و چند نفر انگشت‌شمار توانستند به دانشگاه راه یابند که بعدتر باز هم مورد تهدید و اخراج قرار گرفتند. پدرام در آن سال در این کنکور شرکت کرده بود.

او از هیجانی تعریف کرد که دیرتر سرخوردگی به همراه داشت: «آن سال همه چیز به هم ریخت. از صبح به دنبال کلاس‌های تست‌زنی بودیم و تب و تاب مشارکت در دانشگاه را داشتیم. رقابت برای ما تبدیل به رقابت کنکور سراسری شده بود. از برادرم که سه سال از من بزرگتر است تا هم‌دوره‌ای‌های خودم، در آن کنکور ثبت‌نام کردیم. اما وقتی به همراه بچه‌هایی که از شهرستان‌ها به تهران آمده بودند برای دریافت کارنامه‌ها به سازمان سنجش مراجعه کردیم، به ما گفتند پرونده‌تان ناقص است.»

کشف یک سند محرمانه در سال ۱۹۹۱ در سفر «رینالدو گالین دوپل»، گزارش‌گر ویژه حقوق بشر به ایران اما توانست به تردیدها و سوال‌ها پیرامون چرایی ممنوعیت قاطعانه تحصیلی برای بهاییان پاسخ دهد. البته این سند در خرداد ماه ۱۳۹۴ در رسانه‌های فارسی‌زبان منتشر شد. در این سند که در جلسه‌های «شورای عالی انقلاب فرهنگی» در بهمن ماه ۱۳۶۹ به تصویب رسیده بود، آمده است: «[بهایان] در مدارس چنانچه اظهار نکردند بهایی‌اند، ثبت‌نام شوند... حتی‌المقدور در مدارسی که کادر قوی و مسلط به مسایل عقیدتی دارند، ثبت‌نام شوند... در دانشگاه‌ها، چه در ورود و چه در حین تحصیل، چنانچه احراز شد بهایی‌اند، از دانشگاه محروم شوند.»

این در حالی است که تحصیل در میان بهاییان یکی از اصول دین‌شان شناخته می‌شود. آن‌ها همان‌طور که در این سند هم آمده است، در طول دوران تحصیل در مدرسه نیز با تبعیض و حتی محرومیت مواجه‌اند. در مدارس، مدیر می‌تواند تصمیم بگیرد که یک دانش‌آموز بهایی اخراج شود یا ادامه تحصیل دهد. آن‌ها همچنین ناچارند که در دوران مدرسه، دروسی مثل «تعلیمات اسلامی» را بگذرانند.

پدرام از تجربه خودش در مدرسه چنین روایت می‌کند: «مدرسه ما کلاس‌های اقلیت دینی داشت اما من نمی‌توانستم در آن شرکت کنم. باید در کلاس تعلیمات اسلامی می‌ماندم. معلم قرآن هم که می‌دانست من بهایی هستم، نمره‌هایم را کم می‌کرد. حتی میانجی‌گری دیگر معلم‌ها هم در نظرش تغییری ایجاد نمی‌کرد. در دوران راهنمایی به یاد دارم با معلم‌های پرورشی مشکل داشتم. همه سعی می‌کردند من را به راه راست هدایت کنند.»

با وجود تغییر دولت‌های مختلف در ایران، ممنوعیت تحصیلی مقابل بهاییان طی نزدیک به چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی هم چنان ادامه دارد. جامعه جهانی بهاییان در گزارشی که آبان ماه سال جاری منتشر کرد، تصریح کرده است هر دولتی که در این حکومت روی کار می‌آید، برای پایان بخشیدن به دهه‌های طولانی اذیت و آزار سیستماتیک بهاییان با مانع روبه‌رو می‌شود.

طبق این گزارش، از زمان آغاز دولت روحانی تاکنون، هزاران بهایی از ورود به دانشگاه منع شده و ۲۸ دانشجوی بهایی نیز اخراج شده‌اند: «دولت ایران به جای آن که سعی کند به وعده خود برای پایان دادن به تبعیض دینی عمل کند، استراتژی تبعیض و ستم بر بهاییان را از دستگیری و زندان به سمت راه‌هایی برده که هزینه کم تری دارد؛ مثل محرومیت‌های اقتصادی و تحصیلی.»

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]